

دکتر باقرپور کاشانی



مرگ یقینی‌ترین حقیقت برای هر عقیده‌ای



## مرگ یقینی‌ترین حقیقت برای هر عقیده‌ای

«نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

{كَفَى بِالْمَوْتِ وَاِعْظَاءً}

مرگ به‌عنوان تنها وعظ‌کننده شما را کفایت می‌کند.»

اگر یک نفر توجه نسبت به مرگ داشته باشد، یقینی‌تر از مرگ چیزی را نداریم.

دویست سال پیش انسان‌ها کجا بودند؟! نیستند.

وقتی عبور می‌کنی از قبرستان می‌بینی که آن سنگ‌های قبر را نگاه می‌کنی، سنین مختلف هستند.

افرادی چهل ساله زیادند، افراد پنجاه ساله زیادند،

افرادی ده ساله زیادند. پس یک نفر تأمل بکنه که یک مسیری است که باید در این دنیا عبور کرد و هرکسی باید از مقطعی که به‌عنوان مرگ مطرح شده عبور بکند.

وقتی یک نفر تأمل نسبت به مرگ بکند؛ حواسش جمع می‌شود که بالاخره حساب و کتاب و بازخواستی است، به اندازه سر سوزنی حق کسی را خداوند پایمال نمی‌کند.

پس توجه به حق‌الناس دارد، توجه به حق خداوند متعال دارد، توجه بر این دارد که چه چیزی را، چه توشه‌ای را در این عالم می‌خواهد ببرد. خیلی مراقب باشید که دنیا، جلوات دنیا، کشش‌های دنیا، ما را خاموش نکند، بصیرتمان را نسبت به مسأله جهان پس از مرگ. دلبستگی به یک شیء، دلبستگی به شیء دیگر. یک وقت می‌بینی به این جا رسید و گفتن تمام و کار تمام شد. شاعر چقدر زیبا می‌گه:

- بدنای حیات دو روزی نبود بیش

- آن هم کلیم با تو بگویم چه سان گذشت

- یک روز صرف بستن دل شد به این و آن،

- روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت.

اینگونه است که اول بچگی دل به یک اسباب بازی‌هایی داریم. کم به کم سن می‌ره بالا علاقه‌مندی به آنها کنار می‌ره، علاقه‌مند به موتور و ماشین و...

سن می‌ره بالاتر، همین‌طور همین‌طور از یک چیزی دل می‌کنیم به یک چیزی دل می‌بندیم.

تا جایی که کار به این جا برسد که تمام بشود.

«پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند:

{كَفَى بِالْمَوْتِ وَاعْظَاءً}.

این یاد مرگ است که شما را وعظ می دهد،

شما را موعظه می کند.»

شاید یک نفر نسبت به وجود خدا شک داشته باشد، اما نسبت به وجود مرگ نمی تواند شک داشته باشد.

می بیند که همه، یک نفر خداپرست باشد، یک نفر بی خدا باشد، یک نفر دیندار باشد، یک نفر بی دین باشد، یک نفر باتقوا باشد، یک نفر بی تقوا باشد، یک نفر ظالم باشد، یک نفر مظلوم باشد. همه می روند!

چیزی باقی نمی ماند!

و تنها چیزی که برای انسان باقی می ماند همین اعمال است.

تنها چیزی که باقی می ماند همین فرصت هاست.

همین لحظاتی هست که ما چه فکر بکنیم، چه بیاموزیم و به چه عمل بکنیم.

و توجه مان نسبت به چه حقیقتی باشد.

و چقدر خوب است که اگر یک نفر راه را پیدا کرده، باید بداند که راه

سعادت پیروی از خدا و پیروی از حجت الهی است.

راه سعادت دل بستگی به خدا و دل بستگی به حجت الهی است.

و هر چیزی که ما را از خدا و امام زمانمان دور می کند بدانید آن حجاب

است و آن را باید ما کنار بگذاریم.

از خداوند متعال می‌خواهم که محبت خودش،  
اطاعت خودش، توفیق عبادت خودش را به ما افزون بگرداند.  
که این غیر از اطاعت و عرض ارادت و خدمت‌گذاری به حجت الهی، عبادت  
پروردگار چیزی غیر این نیست.  
صلی‌الله‌علیک‌یا‌حجۀ‌ابن‌الحسن‌العسکری.  
و السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.



@aparat.com/be  
\_sooye\_zohoor



v\_bagherpour\_  
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-  
kashani.com/



@serat12k



youtube.  
com/c/seratehagh



https:  
//naakhodaa.ir